

نقش قوانین و مقررات ملی استاندارد کالا و خدمات ایران در توسعه تجارت بین‌الملل

سید محمدصادق موسوی

دانشیار فقه و حقوق خصوصی، مدرسه عالی و دانشگاه شهید مطهری تهران

علیرضا صالحی‌فر

استادیار حقوق خصوصی، دانشگاه خوارزمی تهران

سید مجتبی سجادی‌جزی^۱

دانشجوی دکتری فقه و حقوق خصوصی، دانشگاه خوارزمی تهران

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۱۰/۰۹ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۰۲/۲۵

چکیده

مقاله حاضر به دنبال توضیح چگونگی اثرگذاری قوانین و مقررات ملی استاندارد کالا و خدمات ایران در توسعه تجارت بین‌الملل است. از این رو نگارندگان سعی در استخراج و تحلیل شاخص‌های اثرگذاری قوانین و مقررات ملی در زمینه استاندارد کالا و خدمات در توسعه تجارت بین‌الملل داشته‌اند. در این پژوهش از روش تحلیلی-توصیفی برای بررسی موضوع و تحلیل شاخص‌ها و پاسخ به سوالات بهره گرفته شده است و داده‌ها به شیوه‌ای کتابخانه‌ای، اسنادی و بهره‌گیری از پایگاه‌های اینترنتی علمی معتبر، گردآوری شده است. نتیجه این مقاله ناظر بر تأثیر قوانین و مقررات ملی استاندارد بر توسعه تجارت بین‌الملل از طریق بهره‌وری، توسعه پایدار، ایجاد موانع ورود یا تأمین کیفیت، حکمرانی تنظیمی، آزادسازی تجاری و پیوستن به تجارت جهانی، توجه به استانداردهای منطقه‌ای کشورهای هدف صادرات، تأمین امنیت ملی، حفظ پرستیژ و جایگاه تجاری کشور، نظام‌های طبقه‌بندی استاندارد و زنجیره تأمین، است.

کلمات کلیدی: استانداردسازی، توسعه تجارت بین‌الملل، خدمات، قوانین و مقررات ملی استاندارد، کالا.

^۱ . نویسنده مسئول: tahghigh1391@yahoo.com

مقدمه

در تجارت بین‌الملل بحث اصلی روی مبادله کالاهاست. از آن جا که یک کشور قادر نیست تمام نیازها و احتیاجات خود را از تولید داخلی بر طرف کند به همین دلیل کشورها ناگزیر از تجارت بین‌الملل هستند. از سال ۱۹۵۰ تا سال ۲۰۰۵ میلادی حجم تولیدات مختلف کشورهای جهان حدود ۷ برابر شده اما در همین سالها حجم تجارت بین‌الملل حدود ۲۸ برابر شده است. از جمله دلایلی که کشورها به سمت تجارت روی آورده‌اند را می‌توان این موارد دانست: الف) بعضی کشورها از منابع طبیعی محروم و بعضی دیگر با وفور این منابع رو به رو هستند این کشورها می‌توانند کالا تولید کنند و در اختیار کشورهای دیگر قرار دهند. ب) بعضی کشورها منابع طبیعی دارند ولی تکنولوژی تولید کالا را ندارند بر همین اساس به وارد کردن کالا اقدام کرده‌اند (محمودزاده، ۱۳۹۲: ۳۱). از همان آغاز شکل‌گیری تجارت، مفهوم قرارداد و توافقات تجاری نیز معنا پیدا کرد. هر کدام از طرفین خواسته‌های خود را مطرح می‌کرد و طرف تأمین‌کننده کالا براساس نیاز مصرف‌کننده کالایی را به دست آن می‌رساند. با گذر زمان و توسعه تجارت، صورت این توافقات مکتوب‌تر و دقیق‌تر شد و نوعی از معیارها و در نتیجه استانداردها برای تجارت در نظر گرفته شد، تا جایی که با تغییر شرایط سیاست بین‌الملل پس از جنگ جهانی دوم، اندیشه تشکیل سازمان بین‌المللی استاندارد در چهاردهم اکتبر سال ۱۹۴۶ بین رؤسای بیست و پنج کشور در لندن شکل گرفت. این سازمان در راستای هماهنگ‌سازی قوانین، مقررات و چهارچوب‌های ملی تولید کالا و بعدها ارائه خدمات، با یکدیگر گام بر داشته است. امروزه با شکل‌گیری یک ساختار ارتقاء یافته از استاندارد جهانی، پیوستن کشورها و انطباق کالاها و قوانین و مقررات تولید آن کالاها و ارائه خدمات با استانداردهای بین‌المللی به یک امر ضروری و اجتناب‌ناپذیر بدل شده است.

نقش قوانین و مقررات ملی در زمینه استانداردهای کالا و خدمات در توسعه تجارت بین‌الملل، یکی از موضوعات مهم امروزی در حقوق خصوصی و حقوق تجارت بین‌الملل است. در کشورهای توسعه‌یافته توجه ویژه‌ای به کیفیت قانون‌گذاری در زمینه قوانین و مقررات استاندارد ملی صورت گرفته است تا بتوانند با صرف کم‌ترین هزینه و دوری از عدم تطابق کالاها در تجارت بین‌الملل، به بیشترین سود حاصل از تجارت بین‌المللی دست یابند. قوانین و مقررات ملی استاندارد کالا و خدمات به عنوان نرم‌افزاری جهت بسترسازی مناسب جهت ارتقا تجارت خارجی عمل می‌نماید و با هر کشور با اقدامات متقابلی که با سایر کشورها و سازمان‌های جهانی صورت می‌دهد و انطباق بین قوانین ملی با منطقه‌ای و جهانی و حرکت در جهت هماهنگ‌سازی آن‌ها در نوع و کیفیت اجرایی آن‌ها، به زبان مشترکی در تجارت بین‌الملل دست می‌یابد که هر چقدر این زبان مشترک از کیفیت و هماهنگی و یکپارچگی بالاتری برخوردار باشد، هزینه‌های تولید و توزیع و تجارت به میزان قابل توجهی کاهش می‌یابد و جایگاه کشور مذکور در تجارت بین‌الملل تثبیت و تقویت می‌شود. توسعه و ارتقاء محصولات و تجارت کالا و تأمین خدمات از طریق توسعه استانداردهای هماهنگ با ساختار تجارت بین‌الملل و ارتقاء تجارت بین‌المللی به‌واسطه جلوگیری و حذف موانع فنی غیر ضروری در مسیر تجارت بین‌الملل، از عوامل بسیار مهم نقش‌آفرینی قوانین و مقررات ملی در زمینه استانداردهای کالا و خدمات در توسعه تجارت بین‌الملل است. از این‌رو در مقاله حاضر سعی شده تا به بررسی «نقش قوانین و مقررات ملی استاندارد کالا و خدمات در توسعه تجارت بین‌الملل» با نیم‌نگاهی به ایران

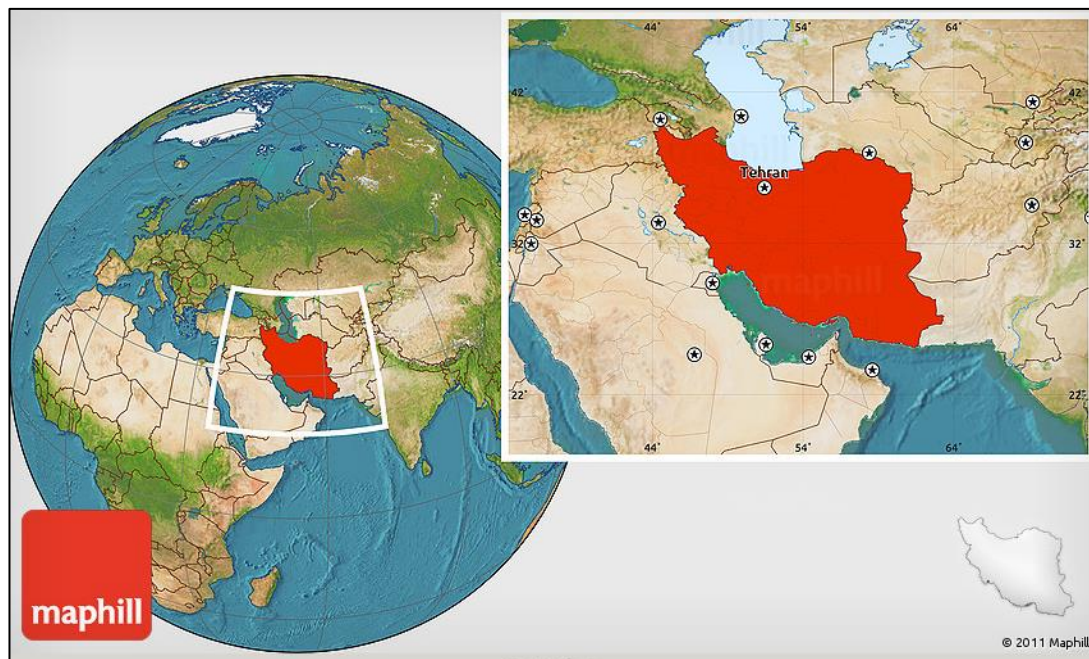
پرداخته شود. پرسش‌های اساسی این مقاله بدین صورت است که: (۱) قوانین و مقررات ملی استاندارد کالا و خدمات چگونه در توسعه تجارت بین‌الملل نقش بازی می‌کند؟ و (۲) شاخص‌های اثرگذاری قوانین و مقررات ملی در زمینه استاندارد کالا و خدمات در توسعه تجارت بین‌الملل چیست؟

موقعیت ایران و ظرفیت‌های تجارت بین‌الملل

کشور ایران متصل به موقعیت بری اوراسیاست؛ همچنین به سبب دارا بودن سواحل طولانی در خلیج فارس و دریای عمان از موقعیت بحری برخوردار است؛ و نیز به لحاظ در اختیار داشتن تنگه هرمز دارای موقعیت گذرگاهی است. از لحاظ موقعیت نسبت به حوزه‌های ژئوپلیتیکی پیرامون، ایران یک موقعیت مرکزی نسبت به کشورهای مجاور خود دارد؛ و در واقع می‌تواند به عنوان کشوری با نسبت ژئوپلیتیکی بالا در تمام حوزه‌های ژئوپلیتیک اطراف خود حضور داشته باشد و در پیدایش شکل‌های منطقه‌ای و فعال شدن حوزه‌های ژئوپلیتیکی و کارکردهای آن نقش موثری داشته باشد و فرآیند سیاسی و اقتصادی این حوزه‌ها را شکل دهد (صفوی، ۱۳۷۸: ۷۰). حوزه‌های ژئوپلیتیکی پیرامون ایران عبارتند از: حوزه قفقاز و آناتولی، حوزه خلیج فارس، حوزه دریای عمان و اقیانوس هند، حوزه فلات ایران، حوزه آسیای مرکزی و حوزه ژئوپلیتیکی دریای مازندران (قالیباف، ۱۳۸۵: ۴۸-۴۷). موقعیت برجسته ایران فرصت‌های عالی برای آن فراهم می‌کند؛ البته آن را در منطقه‌ای که به بی‌ثباتی مشهور است؛ آسیب‌پذیر نیز می‌سازد. ایران با داشتن هفت مرز خشکی با کشورهای همسایه و شش مرز آبی با کشورهای خلیج فارس دارای ظرفیت ژئواکونومیکی عظیم برای توسعه تجارت بین‌الملل است. به لحاظ موقعیت نسبت به همسایگان ایران به همراه چین و پس از روسیه رکورد دار تعداد همسایگان در جهان است (کریمی‌پور، ۱۳۸۰: ۲۴). ایران با پانزده کشور مستقل همجوار است. این کشور از جنوب با دولت-ملت‌های مستقل کویت، عربستان، بحرین، قطر، امارات متحده عربی و عمان، از شرق با پاکستان و افغانستان، از شمال با ترکمنستان، قزاقستان، روسیه، آذربایجان و ارمنستان و از غرب با ترکیه و عراق همجوار است.

تجربه نشان داده است؛ کشورهایی که مجاور آب‌های آزاد و دریای آزاد می‌باشند بهتر می‌توانند استقلال سیاسی و اقتصادی خود را حفظ کنند؛ کشور ایران اگرچه از اقیانوس‌ها و دریاها بزرگ فاصله دارد ولی در دو سوی شمال و جنوب به دریا منتهی می‌شود. از لحاظ دسترسی نیز ایران بین دو انبار بزرگ انرژی فسیلی جهان یعنی خلیج فارس و دریای خزر قرار گرفته و به لحاظ موقعیت ارتباطی، فضای جغرافیایی ایران در محور شمال-جنوب دو عرصه جغرافیایی آب و خشکی را به هم پیوند می‌دهد و در مسیر عمومی ارتباط قاره اروپا و آسیا و اقیانوسیه، به ویژه آسیای جنوبی و جنوب شرقی قرار دارد. مطابق نظر کارشناسی انجام شده توسط سازمان ملل متحد، ایران می‌تواند از ترانزیت کالا به مقصد آسیای مرکزی، غرب آسیا و شرق اروپا سالانه ۲۰-۱۰ میلیارد دلار درآمد داشته باشد (صالحی، ۱۳۸۲: ۱۷). قرار گرفتن در کنار تنگه هرمز به عنوان شاه‌رگ حیاتی اقتصاد جهان به این کشور اهمیت ژئواستراتژیک، ارتباطی و اقتصادی ویژه‌ای بخشیده است؛ تنگه هرمز از جمله نقاط جغرافیایی است که دارای اهمیت استراتژیک است و از دیدگاه جغرافیایی، قدرت کنترل جهانی و یا منطقه‌ای را فراهم می‌کند.

نقشه ۱: موقعیت ایران



منبع: (Maphill, 2011)

چارچوب نظری تحقیق

حقوق تجارت بین‌الملل

حقوق تجارت بین‌الملل به قواعد، اصول، قوانین و مقرراتی اطلاق می‌شود که روابط تجاری را در فراسوی مرزها کنترل و تنظیم می‌کند. این روابط ممکن است واجد خصوصیت حقوق خصوصی باشد مثل روابط قراردادی بین تجار و شرکت‌های تجاری از کشورها گوناگون که به آن حقوق بازرگانی بین‌المللی نیز اطلاق می‌شود و یا جنبه عمومی داشته باشد مثل قوانین راجع به کنترل واردات و صادرات، مناطق آزاد تجاری، سرمایه‌گذاری و سایر موارد که دولت‌ها در امر تجارت بین‌الملل دخالت می‌کنند که بعضاً به آن حقوق اقتصادی بین‌المللی نیز اطلاق می‌گردد (شیروی، ۱۳۹۷). حقوق تجارت بین‌الملل با داوری تجاری بین‌المللی ارتباط نزدیکی دارد چون بسیاری از اختلافات تجاری بین‌المللی از طریق داوری حل و فصل می‌شود. آن چه در زمینه معاملات و مبادلات و تعاملات خارجی در تجارت خارجی مطرح می‌شود، در حیطه تجارت بین‌الملل می‌گنجد. در تجارت بین‌الملل، دو گروه نقش اساسی دارند. گروه اول که تنظیم‌کنندگان روابط و سیاست تجاری بین کشورها می‌باشند و اموری مانند: صادرات و واردات و امور گمرکی و تعرفه‌ها و مالیات‌ها را هدایت می‌کنند. در این گروه، دولت‌ها، سازمان‌های بین‌المللی و اتحادیه‌ها و نهادهای جهانی (نظیر: سازمان تجارت جهانی، آنسیترال (UNCITRAL)^۱، یونیدروا (UNIDROIT)^۲، اتاق بازرگانی بین‌المللی (ICC)^۳ فعال می‌باشند. گروه دیگر از طریق قراردادهای بین‌المللی، عامل انجام تجارت هستند. بازرگانان، شرکت‌های تجاری، پیمانکاران و سازندگان کارخانجات در کشورهای دیگر و اکتشاف کنندگان معادن و استخراج

^۱ . United Nations Commission On International Trade

^۲ . The International Institute for the Unification of Private Law

^۳ . International Chamber of Commerce

کنندگان آن‌ها از این نمونه می‌باشند. موضوعات گروه اول، مربوط به حقوق عمومی بین‌المللی و مسائل گروه دوم، مرتبط با حقوق خصوصی بین‌المللی است. دروس حقوق تجارت بین‌الملل، هر دو دسته را در بر می‌گیرد. در مورد مسائل گروه اول، عبارت «حقوق تجارت بین‌الملل» و در مورد موضوعات گروه دوم، اصطلاح «حقوق بازرگانی بین‌الملل» به کار برده می‌شود (داراب‌پور، ۱۳۹۸: ۲۱).

در حقوق تجارت بین‌الملل، سیاست‌گذاری تجارت جهانی، روابط دولت‌ها و سازمان‌ها و اهداف تجارت بین‌الملل، مشخص می‌شود که در واقع مورد توجه حکومت‌ها و دولت‌هاست. در حقوق بازرگانی بین‌المللی، که در حقیقت حقوق خصوصی مدنی بین‌المللی است، مسائل مورد نیاز بازرگانان، مثل: مذاکره، انعقاد، اجرا و انحلال قرارداد و تضمین‌ها و اخذ خسارت در مورد آن مطرح می‌شود. علم حقوق تجارت و بازرگانی بین‌المللی، به مسائل تئوری و اصول و احکام می‌پردازد، در حالی که فن این حقوق، در اجرا ظهور پیدا می‌کند. موضوع این رساله منطبق بر حقوق تجارت بین‌الملل و خصوصی است که با تکیه بر قوانین و مقررات استانداردسازی ملی در زمینه کالا و خدمات، و ماهیت، کیفیت و چگونگی قوانین و مقررات مذکور، سعی در تبیین نقش این قوانین و مقررات در توسعه تجارت بین‌الملل دارد.

استاندارد و استانداردسازی^۱

کلمه استاندارد در اصل کلمه‌ای است انگلیسی و مترادف با پرچم و علم و شاید این وجه تسمیه از آن نظر بوده است که پرچم یا علم افراشته در میان لشکر به عنوان شاخص برای افراد لشکر بوده است و نشانی از پیروزمندی یا شکست را به همراه داشته است این معنی هنوز در زبان انگلیسی باقی است. اصل کلمه استاندارد Stand به معنی ایستادن مرتبط می‌شود و در فرانسه باستانی واژه استاندارد با استاندارد به معنی پرچم بوده است. در زبان کنونی فرانسه برای استاندارد به معنای امروری آن واژه نُرم به کار می‌رود که همین کلمه در زبان آلمانی (Die Norm) وارد شده است. واژه استاندارد را امروزه به معنای مقادیر برای اندازه‌گیری، مدل و نمونه اشیاء و چیزی که دارای مشخصات رسمی باشد به کار می‌برند و مفاهیمی از قبیل قاعده، قانون، معیار، شاخص، نظم و غیره از آن استنتاج می‌گردد. تعریف استاندارد به بیان سازمان بین‌المللی استاندارد بشرح زیر است:

سندی که از طریق اجماع و توافق عمومی تدوین شده و به تصویب گروه یا سازمان شناخته شده‌ای می‌رسد و قواعد و دستورالعمل‌ها و یا مشخصه‌هایی را برای فعالیت‌ها یا نتایج آن‌ها به منظور استفاده روزمره و مستمر ارائه می‌کند. هدف استاندارد رسیدن به میزان مطلوبی از نظم در زمینه‌ای خاص است. سازمان بین‌المللی استاندارد (ISO) استاندارد را چنین تعریف نموده است: ویژگی‌های فنی یا ملاک‌های مورد نظر عمومی که با همکاری و توافق یا تایید عمومی تمام ذی‌نفعها و ذی‌ربطها تنظیم می‌شود و مبتنی بر نتایج استوار علمی و تکنولوژی و تجربی بوده و به منظور پیشبرد اقتصادی و ارتقاء منافع اجتماعی در حد مطلوب به وسیله یک مرجع شناخته شده در سطح ملی یا منطقه‌ای با بین‌المللی رسمیت پیدا کند. معنی استاندارد در ارتباط با مؤسسه استاندارد و تحقیقات صنعتی ایران که مسئولیت قانونی بقیه و تدوین استانداردهای ملی را عهده دار می‌باشد عبارت است از: تعیین و تدوین ویژگی‌های لازم در تولید یک فرآورده و انجام یک خدمت.

^۱ . Standardization

استانداردسازی، فعالیت ایجاد معیارهایی در ارتباط با مسائلی بالفعل یا بالقوه و با هدف دستیابی به نظمی بهینه در مقوله مورد بحث برای استفاده عمومی و مستمر است (ریاحی، ۱۳۸۸). استانداردسازی یا استاندارد کردن عبارت است از تعیین مشخصات کالا و خدمات مورد نیاز یا تعیین درجه ویژگی‌های کیفی کالاها و خدمات و حد مرغوبیت قابل پذیرش و مطلوبیت مورد نظر برای آن‌ها از نظر اندازه، شکل، رنگ، خواص فیزیکی و شیمیایی و غیره به منظور بهبود کیفیت و حصول اطمینان از مصرف یک فرآورده.

تحلیل یافته‌های تحقیق

استاندارد و استانداردسازی در ماهیت و ذات خود به سبب ایجاد شفافیت، تسریع در مبادلات، اعتمادسازی و ایجاد ایمنی و کمک به تولید کالا و خدمات با کیفیت، باعث توسعه تجارت بین‌الملل می‌شود. اما توجه به برخی از عواملی که سبب اثرگذاری بیش‌تر استانداردسازی در توسعه تجارت بین‌الملل می‌گردد، به لحاظ نیاز تجارت بین‌الملل به توسعه و بهبودی روزافزون، ضروری به نظر می‌رسد. استاندارد و استانداردسازی و قوانین و مقررات ملی استاندارد از مسائل مهم در تجارت بین‌الملل هستند که عدم توجه درست به آن‌ها سبب کند شدن آهنگ توسعه تجارت بین‌المللی می‌شود. این امر برای کشورهای در حال توسعه بویژه کشور ایران که به رغم عضویت طولانی-مدت در سازمان استاندارد جهانی همچنان از استاندارد کالایی و خدماتی قابل توجهی برخوردار نیست، بسیار با اهمیت است. یکی از چالش‌های بزرگ تجار و تولیدکنندگان ایرانی، ضعف استانداردسازی و انطباق‌پذیری درست با استانداردهای بین‌المللی و منطقه‌ای است. بنابراین در ذیل به عواملی که به واسطه ارتقاء استانداردسازی ملی منجر به توسعه تجارت بین‌الملل می‌شوند پرداخته‌ایم.

استانداردسازی و بهره‌وری^۱؛ توسعه تجارت بین‌الملل

یکی از موارد مهم در قوانین و مقررات ملی استاندارد و استانداردسازی بحث بهره‌وری و تأثیر آن بر توسعه و گسترش تجارت بین‌الملل است. بهره‌وری از مفاهیم علم اقتصاد و مدیریت است که چنین تعریف می‌شود: «مقدار کالا یا خدمات تولید شده در مقایسه با هر واحد از انرژی یا کار هزینه شده بدون کاهش کیفیت یا به این شکل: اثربخشی به همراه کارایی». «به دیگر سخن، بهره‌وری عبارت است از به دست آوردن حداکثر سود ممکن با بهره‌گیری و استفاده بهینه از نیروی کار، توان، استعداد و مهارت نیروی انسانی، زمین، ماشین، پول، تجهیزات، زمان، مکان و غیره به منظور ارتقای رفاه جامعه. بهره‌وری به «نسبت کار انجام شده به کاری که باید انجام می‌شده» اطلاق می‌شود. نامحدود بودن نیازها و محدود بودن منابع همواره انسان را به تخصیص بهینه منابع در دسترس تشویق کرده است. بهترین استفاده از منابع در اختیار سبب می‌شود تا با توجه به منابع مشخص، نیازهای بیش‌تری مرتفع شوند. در واقع بهره‌وری کاستن از تلفات و به حداکثر رساندن تولید با امکانات تولیدی موجود و همچنین ارتقا کیفیت محصول و خدمات تولیدی در جهت بالا بردن سود می‌باشد؛ به این خاطر است که گفته می‌شود بهره‌وری ترکیب دو اثر کارایی و اثربخشی است (طاهری، ۱۳۹۳: ۴۰). در استاندارد ایزو ۹۰۰۱ از بهره‌وری بسیار گفته شده است و یکی از اهداف استاندارد ایزو (۲۰۱۵:۹۰۰۱). بالا بردن بهره‌وری سازمان در حوزه سیستم مدیریت کیفیت است. اما

^۱ . Productivity

تعریفی که استاندارد از بهره‌وری و عوامل کلیدی آن دارد، دو مقوله اثربخشی^۱ و کارایی^۲ است. تعریف اثربخشی عبارت است از: میزانی که فعالیت‌های برنامه‌ریزی شده تحقق‌یافته و نتایج برنامه‌ریزی شده بدست آمده است. کارایی نیز عبارت است از رابطه میان نتایج بدست آمده با منابع استفاده شده. بعنوان مثال: اتمام پروژه با بودجه مصوب، استفاده از حداقل نیروی انسانی، هزینه‌های تعمیرات و نگهداری و غیره. حال سازمان، کارخانه یا شرکتی را می‌توانیم بهره‌ور بنامیم که بتواند هر دو پارامتر اثربخشی و کارایی را داشته باشد.

تجارت بین‌الملل در نظر و عمل توجه ویژه‌ای به امر بهره‌وری دارد و این مفهوم یکی از شروط اصلی رقابت موفق و سوددهی کالا و خدمات در تجارت بین‌الملل است. در نظریه‌های مرسوم تجارت بین‌الملل، بهره‌وری یکی از مهم‌ترین عوامل تعیین‌کننده الگوی تجارت خارجی است. مهم‌ترین نظریه در این چهارچوب، نظریه مزیت نسبی ریکاردو است که بر اساس آن، تفاوت بهره‌وری میان کشورها موجب تفاوت قیمت خودکفایی آنها شده و بنابراین، تجارت میان این کشورها شکل می‌گیرد. در مدل ریکاردو، کشوری که بهره‌وری نسبی بالاتری دارد صادرکننده کالا و کشور دیگر که فاقد مزیت نسبی است، واردکننده کالا خواهد بود. نقش بهره‌وری به قدری مهم است که نظریه‌های جدید تجارت نیز تا حدودی به آن توجه کرده‌اند. بر اساس این نظریه‌ها، بنگاه‌ها را می‌توان به دو دسته کلی تفکیک کرد: بنگاه‌های دارای بهره‌وری بالا که بازارهای بین‌المللی را انتخاب می‌کنند، بنگاه‌ها با بهره‌وری متوسط و پایین که عموماً بازار داخلی را برمی‌گزینند. البته بنگاه‌های فاقد رقابت‌پذیری لازم نهایتاً از بازار خارج می‌شوند (راسخی، ۱۳۹۲: ۴ و ۶). یکی از راه‌های افزایش سطح بهره‌وری در تجارت بین‌الملل، استانداردسازی کالاها و خدمات جهت مقبول واقع شدن آنها در کشورهای پیش‌تری است که این امر به معنی نفوذ تجاری بیشتر یک کشور در تجارت بین‌الملل است. همچنین استانداردسازی مانع از دوباره‌کاری و اتلاف منابع و زمان در مسیر توسعه فعالیت‌ها می‌شود که خود کلید رقابت موفق با کالاها و خدمات سایر کشورها و شرکت‌های بزرگ است. بنابراین استانداردسازی به نحوی شرط اصلی در بحث بهره‌وری کالاها و خدمات و افزایش توان رقابت‌پذیری است که منجر به توسعه تجارت بین‌الملل می‌گردد.

استانداردها در معاملات بازرگانی بین‌المللی غیر قابل اجتناب هستند زیرا کیفیت کالاها را در سطحی متحدالشکل تضمین می‌کنند و اختلافات در مورد مشخصات و کیفیت کالاها و خدمات صادراتی و وارداتی را کاهش می‌دهند. استانداردهای محصول، با کاهش تنوع نهاده‌ها و ابزارهای مورد استفاده در تولید، نقش مهمی در صرفه‌جویی هزینه‌های مربوط به طراحی، تولید، جابجایی و انبار ایفا می‌کند. هنگامی که استانداردهای محصولی که در سطح ملی پذیرفته شده، از کشوری به کشور دیگر تفاوت داشته باشد، تولیدکنندگان مجبورند فرآیندهای تولید خود را برای رعایت مشخصات فنی متفاوت بازارهای مختلف هدف خود، تعدیل کنند. این کار هزینه تولید را افزایش می‌دهد و شرکت‌ها را از سود بردن از صرفه‌جویی‌های ناشی از مقیاس محروم می‌کند. به همین دلیل است که در سازمان‌های بین‌المللی تلاش‌هایی صورت می‌گیرد تا استانداردها بر مبنای جهانی هماهنگ شوند (کمالی‌اردکانی، ۱۳۹۳). هماهنگی استانداردهای ملی با استانداردهای جهانی و بازارهای هدف، سبب صرفه‌جویی‌های ناشی از مقیاس و

^۱ . Effectiveness

^۲ . Efficiency

انطباق‌پذیری کیفیت کالاها می‌شود و به این طریق موجب بهره‌وری بیشتر تولیدکنندگان ملی می‌شود که سعی دارند بازارهای خود را در کشورهای دیگر گسترش دهند و این به معنی افزایش توان رقابت‌پذیری و توسعه تجارت بین-الملل در اثر بهره‌وری ناشی از استانداردهای و کیفیت قوانین و مقررات استانداردهای ملی است.

استانداردهای و توسعه پایدار تجارت بین‌الملل

توسعه پایدار تجارت بین‌الملل، امروزه یکی از دغدغه‌های مهم کشورهای جهان و نیز حامیان محیط‌زیست درگیر در تجارت بین‌الملل است. رابطه میان تجارت و محیط زیست، رابطه‌ای پیچیده و چند بعدی است، لذا می‌توان از منظرهای مختلف به آن نگریست. از زمان مطرح شدن بحث روابط متقابل میان تجارت و محیط‌زیست و به تبع آن جایگاه محیط‌زیست در نظام تجاری جهانی، نظرات مختلفی در مورد این روابط چه از سوی طرفداران محیط‌زیست و چه تجارت آزاد مطرح شده است. آزادسازی تجاری بالقوه این توانایی را دارد که بر محیط‌زیست تأثیرات مثبت و منفی بگذارد. از یک سو تجارت آزاد به گسترش سرمایه و رفاه اقتصادی منجر می‌شود و از سوی دیگر سبب آلودگی بیشتر و نابودی منابع طبیعی تجدیدنپذیر می‌گردد. مقوله محیط‌زیست و حفاظت از آن هرچند به‌طور خاص فاقد یک موافقتنامه در نظام سازمان تجارت جهانی است اما توجه به آن به عنوان یک استثنای مهم در تجارت آزاد محسوب می‌شود که در قالب بندهای «ب و ز» ماده ۲۵ گات ارزیابی می‌شود. به علاوه، موافقتنامه‌های تجاری سازمان تجارت جهانی از جمله موافقتنامه جنبه‌های تجاری حقوق-مالکیت معنوی^۱، موافقتنامه عمومی تجارت خدمات (GATS)^۲، موافقتنامه کشاورزی، موافقتنامه موانع فنی فراروی تجارت، موافقتنامه اقدامات بهداشتی و بهداشت گیاهی (SPS)^۳ دارای مقرراتی خاص در جهت حفظ محیط‌زیست و منابع تجدیدنپذیر هستند. در اسناد تجاری منطقه‌ای همچون اتحادیه اروپا، مقررات نفتا و مرکوسور نیز حمایت از محیط‌زیست و توسعه پایدار از جمله اهداف اساسی متولیان آن اسناد به حساب می‌آیند (جلالی و دیگران، ۱۳۹۷: ۲۸-۲۷).

از زمان مطرح شدن بحث روابط متقابل میان تجارت و محیط زیست و به تبع آن جایگاه محیط زیست در سازمان تجارت جهانی، نظرات مختلفی در مورد این روابط چه از سوی طرفداران محیط زیست و یا تجارت آزاد مطرح شده است. در گذشته، غالب طرفداران محیط زیست نسبت به سازمان تجارت جهانی دیدگاهی تدافعی داشته‌اند و بیشتر روی این موضوع بحث می‌نمودند که آیا اقدامات زیست محیطی بر اساس قواعد سازمان مزبور مجاز است یا خیر. اما آنچه که امروزه ضرورت دارد و طرفداران محیط زیست باید تمرکز خود را به آن معطوف نمایند، مهار قواعد و مقررات سازمان تجارت جهانی در راستای حمایت از محیط زیست و توسعه پایدار است. در مجموع نسبت به جایگاه محیط زیست در سازمان تجارت جهانی، سه رویکرد عمده وجود دارد، که عبارتند از: رویکرد نخست (رویکرد اقتصاددانان و طرفداران تجارت آزاد): این رویکرد که عمدتاً توسط اقتصاددانان مطرح گردیده، سازمان تجارت جهانی را سازمانی می‌داند که هدف آن صرفاً تجارت آزاد و تسهیل مبادلات میان کشورها در راستای دسترسی هرچه بیشتر به بازار است. رویکرد دوم (رویکرد پیوند و رابطه): این رویکرد به تعامل مسائل تجاری با

^۱ . Agreement on Trade-Related Aspects of Intellectual Property Rights

^۲ . General Agreement on Trade of Services

^۳ . Sanitary and Phytosanitary Agreement

محیط زیست می پردازد (Alvarez, 2002: 146). رویکرد سوم (رویکرد طرفدارن محیط زیست): حامیان این رویکرد معتقدند سازمان تجارت جهانی باید یک سازمان زیست محیطی باشد (محمودی کردی، ۱۳۹۲: ۲۳۰).

به لحاظ تاریخی روابط تجارت بین الملل و نهادهای مرتبط آن با محیط زیست و سلامت مشتریان باید گفت، نظام تجاری در آغاز کار خود یعنی دهه ۱۹۲۰، از مداخله در مسائل مربوط به سلامت ملی و سیاست های زیست محیطی اجتناب می ورزید. اولین معاهده چندجانبه تجاری؛ یعنی کنوانسیون کاهش تشریفات حقوق و عوارض گمرکی (۱۹۲۳)^۱ در ماده ۱۷ خود بیان داشته: «مقررات معاهده حاضر به اقداماتی که دول متعاقد به منظور تضمین سلامت انسان ها، حیوانات و گیاهان به عمل می آورند، لطمه وارد نخواهد ساخت». از دیگر معاهدات تجاری چند جانبه مهم در آن زمان، کنوانسیون ممنوعیت های تجاری (۱۹۲۷)^۲ است که با هدف لغو ممنوعیت های وارده بر صادرات و واردات وضع شده بود. کنوانسیون مزبور در بند ۴ ماده ۴ خود، به بیان استثنایی در رابطه با ممنوعیت ها یا محدودیت هایی پرداخته که به منظور حفاظت از سلامت انسان ها، حیوانات و گیاهان در برابر بیماری ها، حشرات، آفات و انگل ها وضع و اعمال می گردید. پس از جنگ جهانی دوم، یعنی زمانی که دولت ها در حال مذاکره پیرامون موافقت نامه عمومی تعرفه و تجارت (گات) و منشور سازمان بین المللی تجارت (Havana Charter, 1948, 187) بودند، شماری از موافقت نامه های زیستی محیطی چندجانبه با تعهدات تجاری خاص در عرصه بین المللی وجود داشت، از آنجایی که دوران پس از جنگ، زمان مناسبی برای طرفداران محیط زیست بود تا سیاست های خود را در قالب کنوانسیون های بین المللی زیست محیطی تنظیم نمایند، در این دوره مذاکرات متعدد پیرامون کنوانسیون های زیست محیطی آغاز شد که منتهی به انعقاد چند کنوانسیون گردید. به دلیل وجود همین کنوانسیون ها بود که نویسندگان منشور ITO اقدام به درج یک استثنای عام در آن منشور نمودند. این استثناء شامل اقداماتی می شد که بر اساس موافقت نامه های بین الدولی مرتبط با حفاظت از منابع دریایی و شیلات، پرندگان مهاجر حیوانات وحشی، انجام می پذیرفت (Havana Charter, 1948, art. 45). نخستین گام توجه سازمان تجارت جهانی به مسائل زیست محیطی، با معاهده مؤسس آن سازمان برداشته شد (WTO, Online 1994). زیرا در مقدمه موافقت نامه مزبور، کشورهای عضو به صراحت بر اهمیت حفاظت و حمایت از محیط زیست تأکید نموده اند: «... طرفین متعهد تصدیق می نمایند که روابط تجاری و فعالیت های اقتصادی آنان می بایست با نگرش به افزایش استانداردهای زندگی همراه باشد ... ضمن این که استفاده بهینه از منابع جهان مطابق با اهداف توسعه پایدار لحاظ شده و در جستجوی حفاظت از محیط زیست و افزایش ابزارها و وسایل این حفاظت در سطوح مختلف توسعه پایدار باشد ...» (WTO, Online 1994).

بیانات فوق نشان گر این است که دولت ها با این مسئله که سازمان تجارت جهانی می بایست واجد مقرراتی به منظور حصول به تعامل مثبت میان تجارت و محیط زیست باشد، مشکلی نداشته اند و حتی موافق آن هستند. چراکه امروزه کمتر کسی می تواند در این که محیط زیست بخشی از قلمرو سازمان تجارت جهانی است تردید به خود راه دهد (محمودی کردی، ۱۳۹۲: ۲۱۱). دولت ها غالباً استانداردهای بهداشتی و ایمنی را برای محصولات گوناگون وضع

^۱ . International Convention Relating to the Simplification of Customs Formalities, 3 November 1923

^۲ . International Convention for the Abolition of Import and Export Prohibitions and Restrictions, 8 November 1927

می‌کنند. این قوانین به منظور حمایت از مشتریانی که هیچ ابزاری برای ارزیابی خطرات موجود در استفاده از این کالاها در اختیار ندارند، به تصویب رسیده است. همچنین استانداردهایی برای حمایت از محیط‌زیست و منابع طبیعی ایجاد شده است. تعداد مقررات فنی که استانداردهای الزامی را مقرر می‌دارند، در بیشتر کشورها به طور مداوم در حال افزایش است. این روند، نتیجه واکنش مقامات دولتی وضع‌کننده مقررات به تقاضاهای فزاینده عمومی است که محصولاتی که به بازار روانه شده باید حداقل استاندارد کیفیت و ایمنی را برآورده سازند و هیچ‌گونه اثر معکوسی بر سلامت جامعه مصرف‌کننده و بر محیط زیست نداشته باشند. از جمله استانداردهایی که در جهت حمایت از توسعه پایدار و محیط‌زیست و سلامت و ایمنی مشتریان و مصرف‌کنندگان تدوین شده می‌توان به استاندارد ایزو ۹۰۰۰ در رابطه با کیفیت کالاها اشاره کرد. به جز استاندارد ایزو ۹۰۰۰، استانداردهای مفید و مشهور دیگری توسط سازمان جهانی استاندارد تدوین شده است که مهم‌ترین آن‌ها عبارتند از: استاندارد ایزو ۱۴۰۰۰: استاندارد کیفیت محیط‌زیست و استاندارد OHSAS 18000: استاندارد مدیریت ایمنی و بهداشت کار. تنها راه حمایت دولت‌ها از شهروندان خود در جریان تجارت جهانی در برابر خطرات و تهدیدات کالاهای مختلف، از طریق استانداردهای بهداشتی، ایمنی و محیط‌زیستی است. ممانعت از ورود کالاهای نامرغوب و احیاناً مضر سلامتی مردم و محیط‌زیست به کشور، سبب ایجاد توسعه پایدار در تجارت می‌شود و با گسترش این نگاه در بین همه کشورهای جهان، بحث تجارت مبتنی بر ایمنی و بهداشت و محیط زیست در مقیاس بین‌المللی توسعه خواهد یافت.

اهداف و نیات دولتی از استانداردسازی؛ ایجاد موانع ورود یا تأمین کیفیت

امروزه با توجه به ظهور پدیده جهانی شدن، سازمان‌های بین‌المللی نقش به‌سزایی در شکل‌گیری سیاست‌های تجاری و صنعتی کشورها پیدا کرده‌اند و نقش دولت‌ها را در خصوص سیاستگذاری ملی تحت‌شعاع قرار داده‌اند. به‌عنوان نمونه می‌توان به سازمان‌هایی نظیر «سازمان بین‌المللی استاندارد» و «سازمان جهانی تجارت» در این خصوص اشاره کرد. سازمان بین‌المللی استاندارد در واقع سعی در یکسان‌سازی و هماهنگ‌سازی مفهوم کیفیت (استاندارد) در سراسر جهان دارد و با تدوین سری‌های مختلف استاندارد، مفهوم کیفیت را جهانی می‌کند. از طرف دیگر سازمان جهانی تجارت به‌عنوان یکی از مهم‌ترین و اثرگذارترین سازمان‌های متولی سیاستگذاری تجاری در سطح جهان از کشورها می‌خواهد از استانداردها به عنوان مانع غیرلازم برای تجارت استفاده نکنند و با رعایت اصولی همچون یکسان‌سازی، هماهنگ‌سازی و تأیید متقابل استفاده ابزاری از استانداردها به عنوان مانع ورود به کشورها به حداقل ممکن برسد. به دیگر سخن نقش دولت‌ها در تهیه، تدوین و بکارگیری استانداردها به‌عنوان راهی برای تأمین کیفیت کالا و خدمات اگرچه نقش مهمی است اما محدودتر گشته است (کمالی‌اردکانی، ۱۳۹۳). طی سال‌های اخیر تعداد مقررات فنی و استانداردهایی که از سوی کشورها تهیه، تصویب و به اجرا درآمده افزایش یافته است. از یک‌سو ازدیاد مشکلات ناشی از آلودگی آب، خاک و هوا تولیدکنندگان را موظف به تولید محصولات منطبق با اصول زیست-محیطی کرده و از سوی دیگر بالا رفتن استانداردهای زندگی ناشی از پیشرفت فن‌آوری موجب افزایش تقاضا برای کالاهای با کیفیت بالا شده است. مجموع این عوامل باعث افزایش سیاست‌های تنظیمی دولت‌ها و در نهایت افزایش میزان استانداردها و مقررات فنی در سطح ملی گشته است، بطوری‌که در موافقتنامه عمومی تعرفه و تجارت موسوم به GATT که با هدف کاهش موانع تجاری و از میان برداشتن رفتار تبعیض‌آمیز در تجارت بین‌الملل در سال ۱۹۴۷

ایجاد شد نیز به لزوم وجود این استانداردها به صورت گذرا اشاره شده است. در این موافقتنامه هرگونه اقدام ضروری برای حفظ حیات و سلامت انسان، حیوان و گیاه و همچنین هرگونه ممنوعیت یا محدودیت وارداتی یا صادراتی که برای اجرای استانداردها یا مقررات طبقه‌بندی، درجه‌بندی یا بازاریابی کالاها در تجارت بین‌المللی ضرورت دارند مجاز دانسته شده است.

اما به تدریج رشد استانداردها و مقررات فنی در کشورها اثرات منفی بر تجارت بین‌الملل گذاشت؛ چراکه رعایت این استانداردها هزینه‌های اضافی فراوانی را بر صادرکنندگان و تولیدکنندگان تحمیل می‌نمود و قدرت رقابت آنها را در بازارهای خارجی کاهش می‌داد و از طرفی این شبهه ایجاد می‌شد که تصویب این مقررات و استانداردها می‌تواند محملی برای حمایت از صنایع داخلی و در نتیجه رفتار تبعیض‌آمیز در تجارت باشد. لذا کمیته‌ای کاری از سوی GATT تشکیل و مأمور بررسی و ارزیابی اثرات موانع غیر تعرفه‌ای بر تجارت بین‌الملل شد. نتیجه مطالعات این کمیته این بود که موانع فنی تجارت، بزرگترین مانع فراروی صادرکنندگان و تجارت بین‌المللی است. لذا در دور توکیو ۳۲ کشور متعهد، موافقتنامه چندطرفه موانع فنی تجارت را بین خود امضاء کردند. این موافقتنامه که به Standard Codes معروف شد، دارای چند مشخصه مشتمل بر نحوه و چگونگی تهیه، تصویب و اجرای مقررات فنی، استانداردها و رویه‌های ارزیابی مطابقت بود. بعدها در دور اروگوئه (هشتمین دور مذاکرات GATT 94-1986) این موافقتنامه در شکل جامع‌تری به صورت «موافقتنامه موانع فنی فرا راه تجارت» در آمد و بخشی از موافقتنامه‌های سازمان جهانی تجارت شد. این موافقتنامه دارای ۱۵ ماده و ۳ ضمیمه می‌باشد که ضمیمه مزبور جزء لاینفک موافقتنامه محسوب می‌شوند. مهم‌ترین نکته‌ای که ابتدا باید مورد توجه قرار گیرد این است که مقررات حاکم بر سازمان جهانی تجارت اعضای خود را ملزم به داشتن استاندارد کالا نمی‌کند و این سازمان در تدوین یا نوشتن استانداردها نیز هیچ‌گونه دخالتی ندارد بلکه موافقتنامه موانع فنی فرا راه تجارت درصدد است که مقررات فنی اجباری، استانداردهای داوطلبانه و آزمایش و صدور گواهی محصولات، موانع غیر ضروری فرا راه تجارت ایجاد نمایند. اصول این موافقتنامه عبارتند از (WTO, TBT: Technical Explanation): ۱) اجتناب از ایجاد موانع غیر ضروری فرا راه تجارت؛ ۲) رعایت اصل عدم تبعیض و رفتار ملی؛ ۳) هماهنگ‌سازی مقررات فنی، استانداردها و رویه‌های ارزیابی مطابقت؛ ۴) یکسان‌سازی مقررات و رویه‌ها؛ ۵) تأیید متقابل و ۶) شفافیت.

با توجه به آنچه توضیح داده شد، باید گفت که استانداردسازی و تنظیم مقررات جهت توسعه تجارت بین‌الملل به اهداف و نیات دولت‌ها و نحوه بهره‌گیری آنها از مقررات تنظیمی و استانداردها بستگی دارد. اینکه یک دولت استانداردها و مقررات تنظیمی را جهت ارتقاء کیفیت، حمایت از شهروندان خود و نیز محیط زیست و همچنین ایجاد فضای عادلانه رقابتی به کار می‌گیرد یا از این قوانین در جهت ایجاد موانع تجاری بهره می‌گیرد و تجار خارجی را با هزینه‌های مالی و زمانی زیادی جهت حمایت غیرمنطقی از صنایع و تولیدات داخلی خود می‌نماید. در این زمینه می‌توان به کارخانه‌های خودروسازی در ایران اشاره کرد که با حمایت گسترده دولتی و انعقاد تعرفه‌های نجومی بر محصولات خارجی، نه تنها مانع از رشد این صنعت در شرایط سالم رقابتی شده بلکه شهروندان ایرانی را نیز از حق بهره‌گیری از خودروی ارزان و با کیفیت محروم ساخته است.

استانداردسازی، حکمرانی تنظیمی و توسعه تجارت بین‌الملل

نقش قوانین در استانداردسازی کالا و توسعه و تعمیم استانداردهای محلی به ملی و بین‌المللی و کنش‌گری در حوزه صادرات خارجی مربوط به توسعه کدهای استانداردسازی، منوط به تعمیق حکمرانی تنظیمی و خلع ید از حکومت-داری در حوزه استانداردسازی است. حکمرانی تنظیمی به عنوان خط مشی است که با هدف موجود امور مربوط به مقررات‌گذاری ایجاد شده و تلاش دارد تا نیروی دانش و ظرفیت بخش خصوصی را در فرآیند مقررات‌گذاری مشارکت دهد. به عبارتی در چرخه سیاست‌گذاری از دستور کار تا پایان چرخه، از مشارکت بخش‌های غیردولتی استفاده می‌شود. در این راستا سه مدل حکمرانی تنظیمی «خودتنظیمی^۱، تنظیم جمعی مقررات^۲، تنظیم مقررات دولتی^۳» و تنقیح این موارد که منجر به کدهای استاندارد در سطوح مختلف، مخصوصاً استانداردهای خصوصی و محلی که اساس استانداردهای بین‌المللی و توسعه می‌باشد، در این زمینه بسیار برجسته می‌نماید. بنابراین و متأثر از حکمرانی تنظیمی، استانداردسازی باید بر اساس اصول زیر باشد:

- حق مشارکت داوطلبانه و مشارکت همه طرف‌های ذینفع در روند اتخاذ؛
- توافق طرفین ذینفع؛
- جلوگیری از سلطه بر منافع فردی در برابر منافع مشترک احزاب علاقه‌مند؛
- شفافیت روش استانداردسازی و دسترسی به عموم استانداردها و اسناد مرتبط؛
- تطابق متقابل استانداردها و اسناد مرتبط؛
- با توجه به مرحله توسعه فن‌آوری و قوانین سازمان‌های بین‌المللی و منطقه‌ای برای استانداردسازی و مرتبط موافقتنامه‌های بین‌المللی؛
- محصول یا خدمات از یک کشور که امضاء کننده مربوطه است توافقنامه بین‌المللی به همان روشی است که به آن تعلق می‌گیرد محصول یا خدمات داخلی مشابه و یا محصول یا خدمات مشابه از هر کشور دیگر؛
- حصول اطمینان از اینکه استانداردها برای موانع غیرضروری برای تجارت بین‌المللی تهیه، تصویب یا اعمال نمی‌شوند؛
- استفاده از استانداردهای بین‌المللی یا قطعات مربوطه به عنوان پایه‌ای برای استانداردها؛
- در صورت لزوم، مشخص کردن استانداردها بر اساس الزامات محصول در شرایطی از عملکرد به جای طراحی و ویژگی‌های توصیفی.

باید عنوان نمود علاوه بر استانداردهای اجباری و ملی، امروز توجه زیادی به انواع استاندارد مانند استانداردهای محلی، خصوصی و دوفاکتو (در عمل) و کنش حداکثری بنگاه‌ها و بخش خصوصی در مکانیزم تعمیق این استانداردها صورت می‌گیرد. نمود این تحول را می‌توان در اتحادیه اروپا و تدوین قوانین در خصوص استانداردها با کمک بخش‌های دولتی/خصوصی، یافت. در دهه‌های گذشته، استفاده از استانداردها برای حمایت از قوانین و سیاست‌های اروپا افزایش یافته است و امروزه استانداردها در توسعه همه‌جانبه نقش اساسی دارند. در اتحادیه اروپا استانداردها با برانگیختن انتشار فن‌آوری، به رفع موانع فنی در تجارت و حمایت از نوآوری کمک می‌کنند. بنابراین،

¹ . Self- Regulation

² . Co- Regulation

³ . State- Regulation

استانداردها در بسیاری از زمینه‌های مربوط به عملکرد بازار داخلی، فراتر از بازار صرف کالاها، به عنوان ابزار اصلی سیاست در نظر گرفته شده و حریم خصوصی داده‌ها، مصرف کننده و حفاظت از محیط زیست و خدمات را پوشش می‌دهند (Frydman & Waeyenberge, 2014). گرچه سمن‌ها و سازمان‌های جامعه‌مدنی به‌سختی در استانداردسازی در سطح ملی دخیل و مشارکت آنها به اندازه کافی تشویق یا تسهیل نمی‌شود. تلاش‌های بیشتر در سطح ملی برای اطمینان از فراگیر بودن این روند در همه سطوح انجام شده است. از سویی الگوی حکمرانی تنظیمی و ارجحیت آن بر حکومت‌داری متصلب در زمینه استانداردها و توجه به استانداردهای خصوصی و محلی و داوطلبانه بر استانداردهای اجباری مورد تأکید بسیار است. در حال حاضر بسیاری از رفتارهای تجاری در عرصه تجارت بین‌الملل متأثر از استانداردهای خصوصی و رفتار سمن‌ها می‌باشد. حکمرانی تنظیمی به عنوان خط‌مشی‌هایی است که با هدف موجود امور مربوط به مقررات‌گذاری ایجاد شده و تلاش دارد تا نیروی دانش و ظرفیت بخش خصوصی را در فرآیند مقررات‌گذاری مشارکت دهد. به عبارتی در چرخه سیاست‌گذاری از دستور کار تا پایان چرخه، از مشارکت بخش‌های غیردولتی استفاده نماید. مبنای شکل‌گیری حکمرانی تنظیمی را باید در تحلیل ناکارآمدی دو رویکرد اقتصاد بازار و دولتی جستجو کرد. این مفهوم سبب به چالش کشیدن نظارت از بالا به پائین شده و بنابراین حکمرانی تنظیمی در تلاش برای رویکرد بینابین بازارهای آزاد و تنظیم و نظارت آمرانه دستوری و کنترلی می‌باشد. مهم‌ترین چالش در حکمرانی تنظیمی، حفظ نقش موثر قوانین و مقررات در جهت فروکاست نارسائی بازار و استانداردهای موجود تولید در بخش‌های متفاوت و برای مشارکت بیشتر بخش خصوصی است. از سویی نقش دولت در این حکمرانی بسیار برجسته می‌نماید، نکته‌ای که، پیتر دارهوس می‌گوید که ظهور یک حکمرانی تنظیمی که در آن دولت‌ها در بخش نظارت و نه اجرا نقش دارند. جیسون سولومون نیز عنوان می‌دارد، رهیافت‌های قلمرو حکمرانی تنظیمی را با شاخص‌های همچون شفافیت، ساختار سلسله‌مراتبی کمتر و شبکه‌ای بیشتر و نظارت پائین به بالا، می‌داند (Braithwaite, 2000: 181). در حکمرانی نوین به جای تمرکز بر ممنوعیت‌های متعدد و اجرای مقررات به صورت الزام‌آور تلاش دارند طرف‌های خصوصی را در فرآیند تنظیم قانون مشارکت دهند. در نتیجه، دولت بجای شرح و بسط استانداردهای منع‌کننده و نظارت فراوان، امر نظارت بر خود و برنامه‌های مشارکتی و نیمه‌داوطلبانه را تسهیل می‌کند. افزایش مشارکت عوامل و بازیگران غیردولتی، همکاری بخش عمومی و خصوصی، حمایت از تنوع و رقابت در داخل بازار، تمرکززدایی، فاصله گرفتن از قواعد آمره، انعطاف‌پذیری، نمونه‌ها و شاخص‌های تأثیرگذار در این زمینه‌اند. حرکت دولت‌ها از نظام فرمان و کنترل در استانداردسازی و تنظیم مقررات به سمت حکمرانی مشارکتی با بازیگری محوری نهادهای غیردولتی و عمومی می‌تواند به نهادیه شدن و تعمیق استانداردسازی در کشورها کمک کند و مردم و نهادهای ذی‌نفع غیردولتی خود را مسئول و مقید به مقرراتی بدانند که نقش مستقیمی در تنظیم و تصویب آنها داشته‌اند. همچنین استانداردسازی تنظیمی و از پایین به بالا و غیر دستوری سبب انطباق بیشتر استانداردها با واقعیات بخش خصوصی و سلايق و خواسته‌های مردم و مشتریان می‌گردد، بنابراین تأکید بر حکمرانی تنظیمی یکی از راه‌های ارتقاء قوانین و مقررات ملی استاندارد در جهت توسعه تجارت بین‌الملل است.

استانداردسازی ملی و چشم‌انداز آزادسازی تجاری و پیوستن به تجارت جهانی

تجارت بین‌الملل ممکن است به‌طور مستقیم و غیرمستقیم رشد بهره‌وری را در یک کشور تقویت کند. منافع مستقیم افزایش تجارت بین‌الملل ناشی از بهره‌برداری بیشتر از برتری‌های نسبی و تحقق صرفه‌جویی‌های ناشی از مقیاس تولید همراه با افزایش دسترسی به فرآورده‌های واسطه‌ای می‌باشد. منافع غیرمستقیم نیز در اثر نقش تجارت بین‌الملل در تعیین توانایی اجتماعی یک کشور برای رسیدن به سطح کشورهای پیشرفته ایجاد می‌شود. تجارت بین‌الملل ممکن است از طریق افزایش دسترسی به کالاهای واسطه‌ای نیز سطح بهره‌وری در یک کشور را بالا ببرد (شاه‌آبادی، ۱۳۸۶: ۱۱۰). تجارت وسیله‌ای برای گسترش بازار داخلی، تقسیم کار، افزایش کارایی، بهبود بهره‌وری و رشد و توسعه اقتصادی است و به عنوان موتور رشد و توسعه اقتصادی عمل می‌کند. باز کردن اقتصاد به روی تجارت خارجی به رقابت بیشتر می‌انجامد و آثار مثبتی بر سطح بهره‌وری کشور و کیفیت و تنوع محصولات آن می‌گذارد. لذا با گسترش رقابت، بنگاه‌های داخلی با کارایی بیشتری، از منافع موجود استفاده کرده و بهره‌وری خود را در کوتاه‌مدت بهبود می‌بخشند (اثنی‌عشری و دیگران، ۱۳۸۹: ۱۰۶). طبق آمار، ارزش تجارت جهانی مربوط به بخش صادرات در سال ۲۰۰۴ در حدود ۱۱ هزار و ۱۴۰ میلیارد دلار بوده است. صادرات ایران در سال ۲۰۰۴ بر اساس اعلام WTO بالغ بر ۴/۴۴ میلیارد دلار (با احتساب نفت) بوده، اما بر اساس آمار دبیر خانه شورای عالی صادرات این رقم برای کالا ۱/۷ میلیارد دلار و برای خدمات ۵/۳ میلیارد دلار است. درآمد ایالات متحده آمریکا در سال ۲۰۰۴ از طریق صدور خدمات بالغ بر ۳۱۸ میلیارد دلار (رتبه اول در جهان)، انگلیس ۱۷۲ میلیارد دلار، آلمان ۱۳۴ میلیارد دلار، فرانسه ۱۰۹ میلیارد دلار، ژاپن ۹۵ میلیارد دلار، کانادا ۴۷ میلیارد دلار، سوئیس ۳۷ میلیارد دلار و دانمارک ۳۶ میلیارد دلار بوده است. لزوم افزایش سهم صادرات غیر نفتی از کل صادرات کشور از ۱/۲۳ درصد در سال ۱۳۸۲ به ۶/۳۳ درصد در سال ۱۳۸۸ و ظهور رویکرد هایی نظیر تقویت فناوری اطلاعات و تسریع در فرآیند یکپارچگی جهان، متولیان امر را بر آن داشت تا با تدوین چشم انداز ۲۰ ساله کشور از مواهب توسعه ای و دستاوردهای توسعه جهانی در افق درازمدت غافل نباشند و با هدف گذاری درازمدت در افق چشم انداز، برنامه‌های توسعه پنج‌ساله را به عنوان یکی از اهداف میان مدت این مسیر طولانی گزینش کنند (مظاهری، ۱۳۸۸).

ایران به دلیل عضو نبودن در سازمان جهانی تجارت به توافقی‌های این سازمان در زمینه استانداردها توجه کمتری داشته است. هم‌اکنون اکثر طرف‌های تجاری ایران یا عضو این سازمان هستند یا در جریان عضویت به این سازمان قرار دارند. به شکل طبیعی از یک سو فضای بین‌المللی موجود امکان گریز از دایره تأثیر این روند را از ما سلب می‌کند و از طرف دیگر پاسخ‌گویی در خور به استانداردهای بین‌المللی موجود و رعایت موازین و ضوابط مربوطه در جهت تأمین و تضمین منافع ملی، مستلزم داشتن توان علمی و راه‌اندازی و تجهیز آزمایشگاه‌ها، بسترسازی‌های حقوقی و تصویب قوانین و مقررات لازم می‌باشد که در همه زمینه‌های فوق ضعف‌های آشکاری وجود دارد. با وجود چنین شرایطی دسترسی به بازارهای بین‌المللی بسیار مشکل خواهد بود و بدون نگاهی عمیق به مقوله استانداردها و رعایت حداقل‌های جا افتاده در این زمینه پیگیری چنین اهدافی امکان‌پذیر نیست. هدف غایی استانداردسازی، تأمین کیفیت برای دسترسی به بازارهای جهانی است. نیل به این هدف در جهان به هم پیوسته امروز مستلزم حضور فعال و موثر در مجامع بین‌المللی و مشارکت در فرآیندهای جهانی است. در غیر این صورت هر گونه تلاش ملی بدون توجه به فرآیندهای جهانی محکوم به شکست خواهد بود (کمالی‌اردکانی، ۱۳۹۳). لذا حضور

ایران در مجامع بین‌المللی نظیر سازمان جهانی تجارت ضروری است. تا فعالان اقتصادی کشور از سازوکارهای موجود جهانی آگاهی یابند و با استفاده از امکانات داخلی، کالا، خدمات و حتی ایده خود را با معیارهای لازم تولید، و به جهانیان عرضه نمایند. نداشتن چشم‌انداز و برنامه مشخص در قبال آزادسازی تجاری و پیوستن به سازمان تجارت جهانی همواره مانع پیوستن واقعی اقتصاد کشور به اقتصاد جهانی و نهادینه شدن قوانین و مقررات استاندارد جهانی و لوازم آن در کشور می‌شود. قوانین و مقررات ملی استاندارد که همراه با چشم‌انداز مشخصی جهت پیوستن یک کشور به جامعه اقتصاد جهانی باشد، سبب توسعه تجارت بین‌الملل می‌شود، در حالی که عدم ورود به عرصه اقتصاد جهانی و رقابت اقتصادی نهادهای تجاری و اقتصادی کشور در قالب اقتصاد جهانی، اثرگذاری استانداردسازی ملی را نیز به شدت کاهش می‌دهد و آن را از هدف و فلسفه اصلی خود که یکسان‌سازی استانداردهای کشورها جهت ورود به رقابت اقتصادی و ایجاد مزیت نسبی و بهره‌وری است، باز می‌دارد.

توجه به استانداردهای منطقه‌ای کشورهای هدف صادرات و توسعه تجارت بین‌الملل

یکی از گونه‌های استانداردسازی که مخصوصاً برای کشوری مانند ایران که دارای توان کمتری در جهت توسعه صادرات غیر نفتی در وضعیت کنونی دارد، استاندارد منطقه‌ای و توجه به مناطق و کشورهای همجوار و کشورهای خاصی مانند روسیه، است از جذابیت اقتصادی برخوردارند. هرچند استانداردهای کشوری مانند روسیه دارای سطح بالایی بوده و در قیاس با استانداردهای سایر همسایگان ایران متفاوت است. استاندارد منطقه‌ای، استاندارد است که جهت تسهیل مبادلات تجاری، در منطقه‌ای خاص، متشکل از تعدادی کشور همجوار یا گروهی از کشورهای دارای مبادلات بازرگانی مشترک تهیه، منتشر و اعمال می‌شود، به عبارت دیگر مستندات و مدارک فنی گروهی از کشورهای همسایه به منظور بهره‌مندی از کیفیت مشترک و زبان عمومی در مکاتبات، تجارت و تبادل کالا این مجموعه استانداردها را تشکیل می‌دهد مانند استانداردهای اروپایی که برای کالاهای مورد مبادله در کشورهای CE عضو اتحادیه اروپا مصداق و اعتبار دارد و علامت اختصاری آن CE که مخفف «Conformite Europeenne» به معنای انطباق با استانداردهای اروپایی است و نشان می‌دهد که کالای موردنظر با شرایط تعیین شده درباره ایمنی، بهداشت، محیط‌زیست و حمایت از مصرف‌کننده انطباق دارد. اگر صادرکننده و واردکننده یک کالا مقیم دو کشور در منطقه‌ای خاص مثل اروپا باشند باید تابع همان استاندارد منطقه‌ای مورد نظر باشند.

موقعیت جغرافیایی کشورها و نوع تولیدات آن‌ها بستری مناسب برای تجارت خارجی فراهم می‌آورد. سیاست-گذاری مناسب برای بهبود جایگاه صادرات در عرصه جهانی مستلزم داشتن اطلاعات و تحقیقات واقع‌بینانه و کاربردی است. در این رابطه شناخت کافی بازارهای هدف، درجه تمرکز، رفتار رقبا و موانع ورود به این بازارها برای صادرکنندگان یک ضرورت اجتناب‌ناپذیر است. در این رابطه بازیگران بازارهای جهانی (صادرکنندگان) در صددند با دستیابی به اطلاعات کافی و شناخت بازار و ساختار آن و تعیین درجه رقابت بین رقبا، سیاست‌های قیمتی و غیر قیمتی خود را طوری تدوین و طراحی کنند تا بتوانند منافع خود را حداکثر نمایند.

در شرایط کنونی، حیات سیاسی و اقتصادی کشورهای نفت‌خیز در حال توسعه، از جمله ایران به شدت متکی به درآمد حاصل از صادرات نفت است. از طرفی رهایی از اقتصاد وابسته به درآمدهای نفتی، با توجه به وجود استعدادهای مناسب تولید و صادرات برخی از محصولات و کالاهای غیر نفتی به ویژه محصولات کشاورزی، صنایع

دستی، توسعه و جذب توریسم و غیره از طریق شناخت استعدادها و منطقه‌ای و حمایت جدی از این گونه استعدادها ضروری به نظر می‌رسد. رهایی از اتکا به صادرات شکننده و تک محصولی، لزوم حرکت به سوی شناخت استعدادها و صادراتی جدید و برخورداری از مزیت نسبی را تبیین می‌کند. ایران با دارا بودن ۱۵ همسایه از نظر تعداد همسایگان در دنیا بعد از کشور روسیه و چین رتبه سوم دنیا را دارد. از طرفی اقتصاد ایران با وجود همه این موقعیت‌ها نتوانسته از بازارهای هدف کشورهای همسایه به طور کامل بهره‌مند گردد. به عنوان مثال روسیه به عنوان یکی از بازارهای هدف بسیار مهم در دنیا، همواره مورد توجه صادرکنندگان جهان می‌باشد اما با وجود ظرفیت تولید میوه، خشکبار، گوشت و سبزیجات در ایران، هنوز نتوانسته‌ایم سهم قابل توجهی از این بازار داشته باشیم (صابری-حقایق و دیگران، ۱۳۹۷: ۲۸۳-۲۸۲).

یکی از راه‌های توسعه تجارت خارجی ایران، توجه به استانداردهای کشورهای همجوار و همسایه مانند روسیه است که دارای جمعیت قابل توجه (۱۵۰ میلیون نفر) با قدرت خرید بالا است. کشورهای عربی حوزه خلیج فارس نیز به دلیل قدرت خرید بالای مردم آن از جذابیت خاصی برای برخی کالاهای ایرانی مانند محصولات دامی و کشاورزی و نیز خدمات گردشگری برخوردار هستند. یکی از موانع اصلی بر سر راه توسعه تجارت منطقه‌ای ایران با کشورهای مذکور، استانداردهای پایین محصولات ایرانی نسبت به محصولات رقیب است. علاوه بر موانع تولید انبوه، بهره‌گیری از مواد یا سموم بیش از حد مجاز در محصولات غذایی مانع از پذیرش آن‌ها در کشورهای مذکور می‌گردد. بنابراین استانداردهای منطقه‌ای مبتنی بر کشورهای هدف، می‌تواند راه‌گشای بخشی از مشکل صادرات و توسعه تجارت بین‌الملل ایران و ایجاد بهره‌وری باشد.

استانداردسازی و امنیت ملی، حفظ پرستیژ و جایگاه تجاری کشور جهت توسعه تجارت بین‌الملل

پس از جنگ جهانی دوم، نقش مؤلفه‌های اقتصادی در امنیت و قدرت ملی به‌طور فزاینده‌ای مورد توجه قرار گرفت. به‌نظر بسیاری از نویسندگان، این روند در دوران پس از جنگ سرد هر چه بیشتر تقویت شد (پورسید، ۱۳۸۲: ۳۳). نظریه‌پردازان، در این دوره نزدیک به هفتاد ساله، تعاریف مختلفی از امنیت اقتصادی ارائه کرده‌اند که هر یک مؤلفه‌هایی چند را برای این مفهوم برشمرده است. در این میان، حضور فعال در عرصه تجارت بین‌الملل با گذشت زمان، مورد توجه بیشتری قرار گرفته است (روحانی، ۱۳۹۱: ۵۸۳). یکی از مسائل با اهمیت برای دولت‌ها در تجارت بین‌الملل، حفظ شأن و منزلت یا جایگاه و پرستیژ تجاری آن‌ها است. حفظ جایگاه و پرستیژ صادراتی و تجاری یک کشور در عرصه تجارت بین‌الملل به قدری اهمیت دارد که گاه در ردیف و شمول مسائل مربوط امنیت ملی کشورها قرار می‌گیرد. امروزه، امنیت اقتصادی به جدی‌ترین نگرانی‌های دولت‌ها تبدیل شده که نتیجه اصلی آن تحکیم بنیان‌های اقتصاد ملی و رهانیدن آن از آسیب وابستگی به کشورهای دیگر است. برای نمونه، اقتصاد کشورهای در حال توسعه به کشورهای بزرگ صنعتی وابسته شده است، که از وجوه مهم این واقعیت، تک محصولی بودن و وابستگی شدید به سرمایه و کالا و تکنولوژی کشورهای پیشرفته است که امنیت اقتصادی این کشورها را سخت آسیب‌پذیر نموده است. تأمین استقلال اقتصادی کشورهای در حال توسعه از مهم‌ترین شرایط پیش‌برد امنیت ملی آن‌هاست. در این خصوص، توسعه اقتصادی، مهم‌ترین نقش را در تأمین امنیت اقتصادی می‌یابد (موسوی‌زنور، ۱۳۹۳: ۳). اهمیت امنیت اقتصادی برای کشورهای پیشرفته، اگر از کشورهای در حال توسعه بیشتر

نباشد، کمتر نیست؛ به طوری که گفته شده، در روابط میان قدرت‌های جهانی، رقابت در اطراف مسائلی چون تولید بهترین محصولات، ارتقای سطح زندگی مردم، برخورداری از نیروی کار تحصیل کرده و ماهر، سرمایه‌گذاری در تولیدات صنعتی، تحقیق و توسعه و تأسیسات زیربنایی و مانند این‌ها دور می‌زند (تارو، ۱۳۷۳: ۳۳ و ۳۴). رابرت ماندل، امنیت اقتصادی را «میزان حفظ و ارتقای شیوه زندگی مردم یک جامعه از طریق تأمین کالاها و خدمات، هم از مجرای عملکرد داخلی و هم حضور در بازارهای بین‌المللی» می‌داند (ماندل، ۱۳۷۹: ۸۷).

در اینجا آنچه از اهمیت بیش‌تری برخوردار است، بحث جایگاه و پرستیژ تجاری و صادراتی کشورها و رابطه آن با استانداردسازی کالاها است. یکی از مولفه‌های قدرت ملی در عرصه بین‌المللی، جایگاه و پرستیژ ملی هر کشور است که عوامل مختلفی از جمله عوامل اقتصادی بویژه تجاری بر آن تأثیر زیادی دارد. کالاهای بی‌کیفیت و بدون شناسنامه علاوه بر تخریب بازار صادرات، کالاهای بنام یک کشور را تحت‌الشعاع قرار می‌دهد. حدود ۹۹ درصد تجارت جهانی میان کشورهای عضو سازمان تجارت جهانی (WTO) انجام می‌شود و یکی از پیش‌شرط‌های لازم برای پیوستن ایران در این سازمان جهانی، ارائه کالاهای با کیفیت و قیمت مناسب توسط تولیدکنندگان ایرانی است. در صورتی که تولیدکنندگان ایرانی نتوانند منطبق بر استانداردهای ملی و بین‌المللی تولیدات خود را به جهان عرضه کنند این فرصت به یک تهدید تبدیل می‌شود. استانداردهای ملی و بین‌المللی، حداقل ضوابط لازم را در مورد کیفیت و چگونگی کالا و محصولات بیان می‌کند و داشتن گواهینامه استاندارد، مشتری را از کیفیت کالا مطمئن می‌نماید. عدم هماهنگی قوانین مختلف در بخش صادرات از مشکلات مهم این بخش است و باید در راه روان‌سازی قوانین تلاش کرد. اجرای استانداردهای ملی ایران به نفع تمام مردم و اقتصاد کشور است و باعث افزایش صادرات و فروش داخلی و تأمین ایمنی و بهداشت مصرف‌کنندگان و صرفه‌جویی در وقت و هزینه‌ها و در نتیجه موجب افزایش درآمد ملی و رفاه عمومی و کاهش قیمت‌ها می‌شود.

به عنوان مثال امروزه پس از نفت، صادرات مواد غذایی در کشور ایران از اهمیت بسزایی برخوردار است که با توجه به ظرفیت بالای تولید در کشور و تنوع آب و هوا باید در جهت گسترش و حفظ صادرات مواد غذایی تلاش کرد. صادرات و واردات یا به عبارتی تجارت بین‌المللی مواد غذایی ریسک انتقال آلاینده‌های مواد غذایی را از یک کشور به کشور دیگر گسترش می‌دهد. مواد غذایی صادر شده که به علت عدم رعایت استانداردها برگردانده و یا معدوم می‌شوند، بویژه در کشورهای در حال توسعه ضررهای اقتصادی قابل توجهی به دنبال دارند و موجب کاهش تجارت خواهد شد. رعایت استانداردها بخصوص استانداردهای بین‌المللی در مورد مواد غذایی می‌تواند به عنوان یک عامل جذب‌کننده بازارهای جهانی مورد توجه قرار گیرد. بازار غذای سالم موجب پیشرفت و رشد بازار خواهد شد و هزینه‌های مربوط به ضایعات مواد غذایی را کاهش می‌دهد. بنابراین برای حفظ بازار و صادرات هم مسئولان و هم فروشندگان و صادرکنندگان کالا باید نسبت به رعایت قوانین و حدود مجاز یا همان استانداردها دقت لازم را مبذول نمایند. بنابراین استانداردسازی و نهادینه‌شدن مفهوم استاندارد در تجارت کالاها و خدمات در عرصه بین‌المللی از طریق ارتقاء منزلت و جایگاه تجاری یک کشور، سبب توسعه تجارت بین‌الملل به نفع آن کشور می‌شود.

نظام‌های طبقه‌بندی استاندارد و توسعه تجارت بین‌الملل

در دنیای امروز که رقابت در تجارت حرف نخست را می‌زند، بنگاه‌ها و حتی کشورها برای ماندن در چرخه تجارت و زنجیره تأمین، نیاز به شناساندن تولدات خود در عرصه بین‌المللی دارند. در عصری که تأمین نیازها در بیشتر اوقات از طریق تجارت الکترونیکی انجام می‌شود، بهترین راه برای معرفی آسان‌تر محصولات به مشتریان بالقوه استفاده از نظام‌های طبقه‌بندی و کدگذاری است. به همین منظور، در طول دهه‌های اخیر کشورها به سوی ایجاد و هماهنگی در استفاده از نظام‌های طبقه‌بندی و کدگذاری برای مراودات تجاری و بازرگانی خود حرکت نموده‌اند تا کشورهای هم‌پیمان بتوانند از داشته‌های یکدیگر به آسانی و به سرعت بهره‌مند شوند؛ از این رو با شناسایی نظام‌های طبقه‌بندی و کدگذاری کالا و بررسی وضعیت آنها، می‌توان نیازمندی کشور را به یک نظام طبقه‌بندی برای استفاده در تجارت الکترونیکی مورد بررسی قرار داد.

به‌طور کلی می‌توان گفت، هدف طبقه‌بندی، فراهم کردن ابزاری برای مدیریت اطلاعات، تسهیل در عملیات آمادی و افزایش کارایی و بهره‌وری است. برای کنترل بهتر و مطلوب‌تر موجودیت‌ها، آن‌ها را به زیرمجموعه‌هایی تقسیم می‌کنند تا عملیات مربوط به هر زیرمجموعه از موجودیت‌های مشابه را بهتر انجام داده و مدیریت نمایند. فرآیند تخصیص یک نام و نماد (شامل شماره، حروف و غیره) به ویژگی‌های هر موجودیت (کالا یا خدمت) را کدگذاری^۱ می‌نامند. در سال‌های اخیر تعداد و تنوع کالاها و خدماتی که تولید و به بازار عرضه می‌شوند به شدت افزایش یافته است. روش‌های اطلاع‌رسانی یا جریان یافتن اطلاعات بین بنگاه‌ها نیز با ظهور اینترنت و روش‌های الکترونیکی در تبادل داده‌ها دستخوش تحولات شگفت‌انگیزی شده است. از طرفی همه بنگاه‌ها در تعاملات خود به تبادل اطلاعات و داده‌های مربوط به کالاها و خدمات می‌پردازند. تا وقتی که تنوع محصولات (کالاها و خدمات) زیاد نباشد، نام‌گذاری و ایجاد تمایز بین آن‌ها چندان دشوار نیست، اما با افزایش شدید تنوع اقلام، طبقه‌بندی، نام‌گذاری و شناسایی آن‌ها برای ایجاد تمایز و تبادل دقیق اطلاعات و داده‌های مربوطه به‌خصوص در حالتی که دو طرف تبادل، به صورت رودررو همدیگر را نبینند به مسئله‌ای بسیار مهم تبدیل می‌شود. برای غلبه بر این مسئله، یعنی برای ایجاد تمایز بین محصولات و تخصیص شناسه‌های منحصر به فرد به هر محصول به یک راه حل فراگیر در سطح خارج از تک‌تک بنگاه‌ها نیاز است. راه‌حل این کار همان نظام طبقه‌بندی و کدگذاری است (عباسی‌رائی و قلندری، ۱۳۹۲: ۶-۵).

با توجه به تعاریفی که از طبقه‌بندی و کدگذاری ارائه شد و نظر به تعدد سیستم‌های طبقه‌بندی در جهان و بستر مناسب الکترونیکی جهت توسعه طبقه‌بندی و کدگذاری الکترونیکی، زمینه جهت توسعه این دانش و در نتیجه افزایش بهره‌وری ناشی از دقت، شفافیت، اعتماد و سرعت در مبادلات تجاری در تجارت بین‌الملل فراهم شده است و با توسعه استانداردهای مربوط به طبقه‌بندی اطلاعات کالاها و خدمات، می‌توان به توسعه تجارت بین‌الملل پرداخت. برای مدیریت زنجیره تأمین و توزیع کالاها و خدمات (به‌عبارت کوتاه مدیریت لجستیک) در سطح ملی در هر شرایطی نیاز به ایجاد ابزارهایی جهت شفاف نمودن بازار و آگاه ساختن بازیگران اقتصادی (دولت، تأمین‌کنندگان، خریداران و مصرف‌کنندگان نهایی) از وضعیت جاری است. برای این منظور نیز لازم است که ابتدا اطلاعات پایه و مبنا به صورت جامع و استاندارد و با تعاریف مورد اتفاق همگانی در دسترس بازیگران اقتصادی قرار گیرد (عباسی‌رائی و قلندری، ۱۳۹۲: ۷-۵).

^۱. Encode

یک نظام جامع طبقه‌بندی و کدگذاری محصول (کالا یا خدمت) می‌تواند پاسخگوی بسیاری از مسائل فوق برای بازیگران اقتصادی باشد. اگر همه تامین‌کنندگان در قالب یک نظام طبقه‌بندی و کدگذاری محصولات خود را معرفی و در یک مکان واحد ثبت نموده و به نمایش بگذارند، یک نمایشگاه منسجم از تمامی محصولات عرضه شده در سطح کشور شکل می‌گیرد و خریداران متناسب با نیاز خود می‌توانند به این نمایشگاه و پایگاه اطلاعاتی مراجعه کرده و محصولات را با یکدیگر مقایسه نموده و بهترین محصول را انتخاب نمایند. صاحبان محصولات می‌توانند به شیوه‌های متنوعی به معرفی جنبه‌های مختلفی از محصولات خود نظیر اطلاعات تأمین‌کننده، جایگاه محصول در ساختار طبقه‌بندی، توصیف محصول، مشخصات فنی محصول، استانداردها و تصاویر محصول بپردازند. در چنین ساز و کاری خریداران می‌توانند به اطلاعات کامل کالای خریداری شده با کمترین هزینه و زمان دست یابند و به شیوه‌های متنوعی به جستجوی اطلاعات تأمین‌کنندگان بپردازند. به‌طور کلی از آنجا که کاهش قیمت و افزایش کیفیت و نیز شبکه تبلیغ و توزیع قوی، سبب بهره‌وری بیش‌تر در بخش تجارت از جمله تجارت بین‌الملل می‌شود، بهره‌گیری از نظام‌های طبقه‌بندی و کدگذاری محصولات و خدمات نیز با توجه به تسریع مبادلات و ایجاد شفافیت و سهولت انتخاب برای خریداران و مصرف‌کنندگان، نقش موثری در توسعه تجارت بین‌الملل دارد. طبقه‌بندی خود تابعی از نظام استانداردسازی در سازمان تجارت جهانی است.

لزوم جامع، فراگیر و اجرایی بودن بودن قوانین و مقررات استاندارد؛ زنجیره تأمین

اثر بخشی کنترل کیفیت کالا به کیفیت و کامل بودن قانون‌گذاری بستگی دارد و قانون‌گذاری باید امکان انجام کنترل-ها را در همه مراحل تولید، ساخت، فرآوری، انبار، حمل و نقل، پخش و تجارت برای مسئولان ذی‌ربط فراهم سازد. یکی از مسائل مهم در بحث استانداردسازی کالاها و خدمات، پرداختن به چگونگی تولید و ساخت تا انبار و حمل و نقل و پخش و تجارت به شکلی جامع است. یعنی هر کدام از این بخش‌ها را به صورت کامل مورد توجه قرار داده شود. به عنوان مثال شیوه کاشت و برداشت محصولات کشاورزی و میزان استفاده‌ها از کودها و سموم و نیز کیفیت آب مورد استفاده در تولید این محصولات بسیار با اهمیت است و بر پذیرش یا رد آن‌ها توسط کشورهای هدف موثر است. کشاورزان در ایران به صورت غیر استاندارد اقدام به بهره‌گیری از کود و سموم و بعضاً آبیاری با آب‌های مستقیم فاضلاب اقدام می‌کنند. نظارت و استانداردسازی و الزامات ناشی از آن در کشت محصولات سبب انطباق کیفیت کالاهای ایرانی با نیازهای کشورهای هدف می‌شود. در سال‌های اخیر اهمیت استانداردسازی کل زنجیره تأمین سبب گسترش بهره‌گیری از کدگذاری و ردیابی مراحل تولید، انبارداری تا توزیع محصولات بویژه محصولات غذایی شده است. ضرورت شناسایی محصولات و دستیابی به اطلاعات آنها به منظور شناخت محصولات سالم و با کیفیت و مراجع عرضه‌کننده و تشخیص آنها از محصولات بی‌کیفیت و تقلبی باعث شده که امروزه قابلیت ردیابی به‌عنوان یک الزام از سوی دولت‌ها و مشتریان اکثر محصولات پذیرفته شود. این قابلیت، رکن اساسی سیستم‌های کیفیت است (عباسی‌رانی و دیگران، ۱۳۹۴: ۷۰).

بر اساس تعریف ISO، قابلیت ردیابی، دستیابی به تاریخچه، کاربردها و موقعیت یک موجودیت به‌وسیله اطلاعات ثبت شده است. نکته مهم در این تعریف توجه به اطلاعات ثبت شده در جهت ارضاء کردن مقتضیات و الزامات ردیابی است. با توجه به جریان یک قلم کالا در یک زنجیره تأمین که ممکن است شامل اجزای مختلفی باشد،

بنابراین باید کالا بتواند با همه بخش‌های این سیستم یا زنجیره رهگیری سازگار شود. چون رهگیری با موقعیت و وضعیت یک قلم تجاری ارتباط است برای رهگیری نیاز به قلم کالایی میباشد که جا به جا شده و در زنجیره حرکت نماید و همچنین اطلاعاتی که بتواند وضعیت قلم را بیان نماید، پس شرط لازم پیاده‌سازی رهگیری، وارد نمودن همه بخش‌های زنجیره تأمین در جریان‌های فیزیکی و اطلاعاتی است (عباسی‌رائی و دیگران، ۱۳۹۴: ۷۰). همانطور که گفته شد، محصولات غذایی به دلیل حساسیت و وابستگی کیفیت و سلامت آن‌ها به زمان و نیز ارتباط مستقیم‌شان با سلامت شهروندان و مشتریان، بیش از هر محصول و خدماتی مورد توجه استانداردسازی فراگیر و ردیابی زنجیره تأمین است. در خصوص قابلیت ردیابی در مورد تغذیه، تهیه غذا از منابع حیوانی و گیاهی و یا هر گونه مواردی که به نوعی مرتبط با تغذیه باشد این الزام را بیان می‌کند که تمام مواد اولیه‌ای که قرار است در تهیه مواد غذایی بکار رود و یا انتظار آن می‌رود که در تهیه مواد غذایی بکار رود باید در مراحل تولید و توزیع ردیابی شود. این الزام هم شامل تولیدکننده و هم مصرف‌کننده مواد غذایی است. انتظار می‌رود مسئولان امور دام در تمامی سطوح این زنجیره‌ها آماده باشند تا اطلاعات موجود را در صورت درخواست در اختیار بازرسان قرار بدهند. اهمیت موضوع تا بدان حد است که استاندارد بین‌المللی جدیدی در زمینه امکان ردیابی محصولات غذایی در طول زنجیره تأمین به شماره ۲۲۰۰۵ توسط سازمان بین‌المللی استاندارد تصویب شد (شهری، ۱۳۹۷). بنابر آنچه در این بخش بیان شد، لزوم جامع و فراگیر بودن قوانین و مقررات استاندارد ملی در همه بخش‌های زنجیره تأمین یک کالا بویژه کالاهای صنایع غذایی، در تجارت بین‌المللی احساس می‌شود و توجه به این امر سبب تسریع در صادرات، اعتمادسازی مشتریان، افزایش بهره‌وری و نهایتاً توسعه تجارت بین‌الملل می‌شود.

نتیجه‌گیری و دستاورد علمی پژوهشی

استانداردسازی ملی و قوانین و مقررات ملی استاندارد، به واسطه شاخص‌ها و عوامل مختلفی سبب توسعه و گسترش تجارت بین‌الملل می‌شوند. استانداردسازی با کاهش هزینه‌های ناشی از مقیاس، انطباق دادن کالاهای داخلی با درخواست‌ها و استانداردهای خارجی، مانع از دوباره‌کاری و هزینه مالی و زمانی بیش‌تر توسط تولیدکنندگان و صادرکنندگان می‌شود و این امر باعث بهره‌وری بیشتر در صادرات و توسعه تجارت بین‌الملل می‌گردد. در جریان استانداردسازی و بویژه استانداردسازی ملی به توسعه تجارت بین‌الملل کمک می‌کند، بحث استانداردهای بهداشتی، ایمنی و محیط‌زیست است که سبب توسعه پایدار تجارت بین‌الملل از طریق حفاظت از محیط‌زیست کره خاکی، بهداشتی و ایمنی مشتریان می‌شود و در نتیجه پایداری یک توسعه پایدار و مستمر در تجارت بین‌الملل را رقم می‌زند. اگر همه دولت‌ها استانداردسازی و قوانین و مقررات مربوط به آن را با هدف ارتقاء کیفیت کالاها و خدمات در سطح ملی و بین‌المللی اعمال نمایند، ما شاهد توسعه تجارت بین‌الملل و درهای باز تجاری کشورها به روی یکدیگر خواهیم بود. بنابراین استانداردسازی با نیت و هدف ارتقاء کیفیت و نه ایجاد موانع تجاری، از عوامل توسعه تجارت بین‌الملل است. یکی از مشکلات و مسائل مرتبط با استانداردسازی ملی، محوریت دولت‌ها و تصدی‌گری آن‌ها در امر استانداردسازی از تهیه و تدوین و تصویب تا اجرای آن‌هاست. در کشور ایران نیز معمولاً قوانین و مقررات استاندارد آمرانه و دستوری و اجباری است. در حالی که رویکرد جدید کشورها با سپردن تدوین و آماده‌سازی

استانداردها به فعالین و کنش‌گران اقتصادی محلی و ملی در بخش خصوصی و نیز NGOهای اقتصادی، اجتماعی و محیط‌زیستی و نیز نظارت صرف دولت‌ها است.

یکی از مسائل مهم دیگر این است که استانداردها سازی و تنظیم قوانین و مقررات استاندارد ملی با هدف توسعه تجارت بین‌الملل مشروط به پذیرفتن قوانین و نهادهای جهانی اقتصادی و نیز پذیرفته شدن خود کشور توسط این قوانین و نهادها است. بدون پیوستن به سازمان تجارت جهانی و فراهم‌سازی قوانین و مقررات و الزامات مدنظر این سازمان، زمینه برای بسیاری از فعالیت‌های اقتصادی فراهم نخواهد شد و استاندارد سازی هم در بسیاری از حوزه‌ها عقیم خواهد ماند و اثر ملموسی بر توسعه تجارت بین‌الملل نخواهد داشت. کشور ایران به دلیل عدم عضویت در سازمان تجارت جهانی و چشم‌اندز مبهم آن در پیوستن به این سازمان و نیز عدم اصلاح قوانین خود در جهت پیوستن به این سازمان، به رغم عضویت طولانی مدت در سازمان استاندارد جهانی، نتوانسته از مزایای استاندارد سازی نسبت به دیگر رقبای خود بهره‌چندانی حاصل نماید. توجه یک کشور به استانداردهای کشورهای هدف صادرات خود، کشورهای همجوار که به صورت معمول دارای تراز تجاری بالایی با آنها است و کشورهای منطقه، و تنظیم مقررات و قوانین استاندارد خود براساس یکسان‌سازی یا همانندسازی با کشورهای هدف، سبب کاهش هزینه‌های تولید، حمل و نقل و صادرات و توزیع و در نتیجه بهره‌وری و سودآوری بالاتری خواهد شد و سهم کشور موردنظر در این بازارها را نسبت به رقبای آن، افزایش می‌دهد. بنابراین توجه به استانداردهای همجواری، منطقه‌ای و کشورهای هدف، از الزامات استاندارد سازی ملی مخصوصاً برای کشورهای در حال توسعه با محدودیت‌های صادرات در مقیاس‌های بسیار بزرگ است.

همچنین استاندارد سازی ملی و دقت در استاندارد بودن کالاها و خدمات، سبب خوشنامی و ارتقاء جایگاه و پرستیژ تجاری و اقتصادی یک کشور در جامعه تجارت جهانی خواهد شد. عدم توجه به این مهم و صدور خدمات و کالاهای بی‌کیفیت یا کم کیفیت، سبب تنزل موقعیت تجاری یک کشور و ضربه به کالاهای با کیفیت و شرکت‌های معتبر تجاری آن کشور نیز خواهد شد. نظام‌های طبقه‌بندی و کدگذاری استاندارد و توجه ویژه به آنها در قوانین و مقررات ملی استاندارد نیز سبب ایجاد شفافیت، اعتمادپذیری و سرعت در فروش و صادرات و در نتیجه توسعه تجارت بین‌الملل برای کشورها خواهد شد. امروزه تکنولوژی به عنوان ضلع ثابت تمامی محاسبات و مسائل اقتصادی، سیاسی، امنیتی، فرهنگی، اجتماعی و غیره است و نظام طبقه‌بندی و کدگذاری براساس الگوها و مدل‌ها و نیز نرم‌افزارهای جدید، سبب به روز بودن و کاهش هزینه‌های تولید ناشی از روش‌های سنتی و در نتیجه ارتقاء بهره‌وری و نهایتاً توسعه تجارت بین‌الملل خواهد شد. همچنین توجه به جامع، فراگیر و اجرایی بودن قوانین مرتبط با استاندارد در رابطه با زنجیره تأمین نیز سبب ارتقاء تجارت بین‌المللی براساس روش‌های نوین و قانون‌گذاری و نظارت جامع و فراگیر و اجرایی می‌شود. این امر سهولت دستیابی مشتری به تاریخچه تولید، انبار، حمل و نقل و توزیع کالا را فراهم می‌نماید و هر تولید کننده‌ای در این زمینه کیفیت بیشتری را در استاندارد سازی‌های خود رعایت نماید و آن را درست برای مشتریان معرفی نماید، به بازار گسترده‌تری در تجارت بین‌الملل دست خواهد یافت. مجموعه عوامل فوق که توضیح داده شد، شاخص‌هایی هستند که قوانین و مقررات ملی استاندارد و استاندارد سازی ملی می‌تواند به کمک آنها و از طریق سازوکارها و چگونگی اثرگذاری که توضیح داده شد، باعث

توسعه تجارت بین‌الملل برای هر کشور گردد. قوانین و مقررات ملی می‌بایستی به سوی همسان‌سازی و همانندسازی با قوانین و مقررات سازمان جهانی استاندارد و تجارت جهانی حرکت کند و در جهت دست‌یابی به تکنولوژی و روش‌های جدید شفاف‌سازی، تدوین قوانین دوطرفه و نیز تغییر ساختار آمرانه و تصدی‌گرانه دولت به تنظیمی و نظارتی، ایجاد اعتماد متقابل نسبت به کنش‌گران بازارهای جهانی، امکان‌رسد و ردیابی بار و ترانزیت، تاریخچه کالا، حس همکاری جهت مبارزه با قاچاق و محموله‌های خطرناک اقدام کند و نهایتاً هرکشوری باید با پیوستن ساختاری و نهادی به تجارت جهانی و استانداردهای بین‌المللی، از طریق قوانین و مقررات ملی منطقی، زمینه توسعه تجارت بین‌الملل را فراهم آورد.

- منابع

۱. اثنی‌عشری، هاجر؛ کرباسی، علیرضا؛ و مسنن مظفری، مهدیه (۱۳۸۹). بررسی رابطه تجارت خارجی و بهره‌وری عامل‌های تولید در بخش کشاورزی ایران، مجله پژوهش‌های نوین اقتصاد کشاورزی، جلد ۲، شماره ۱: ۱۱۳-۱۰۵.
۲. پورسید، بهزاد (۱۳۸۲). امنیت اقتصادی در بعد سرمایه‌گذاری خارجی، در مجموعه مقالات همایش راه‌کارهای توسعه امنیت اقتصادی، تهران، مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های بازرگانی.
۳. تارو، لستر (۱۳۷۳). رویارویی بزرگ یا نبرد اقتصادی آینده ژاپن، اروپا و آمریکا، ترجمه عزیز کیاوند. تهران: انتشارات آگاه، چاپ دوم.
۴. جلالی، محمود؛ آرش‌پور، علیرضا؛ و نوایی‌فرد، مهسا (۱۳۹۷). رابطه «تجارت آزاد» و «حفاظت از محیط-زیست» در حقوق بین‌الملل، فصلنامه پژوهش‌های حقوق تطبیقی، دوره ۲۲، شماره ۳: ۵۵-۲۷.
۵. داراب‌پور، مهرباب (۱۳۹۸). اصول و مبانی حقوق تجارت بین‌الملل، کتاب نخست: کلیات حقوق تجارت بین‌الملل و سازمان‌های تجاری بین‌المللی. تهران: گنج دانش.
۶. راسخی، سعید (۱۳۹۲). اثر بهره‌وری کل عوامل تولید بر تجارت درون صنعت صنایع کارخانه‌ای ایران، فصلنامه علمی-پژوهشی مطالعات اقتصادی کاربردی ایران، سال دوم، شماره ۷: ۱۷-۱.
۷. روحانی، حسن (۱۳۹۱). امنیت ملی و نظام اقتصادی. تهران: مرکز تحقیقات استراتژیک مجمع تشخیص مصلحت نظام، ویراست دوم، چاپ پنجم.
۸. ریاحی، بهروز (۱۳۸۸). مرجع کاربردی استاندارد و کیفیت ایران. تهران: نشر مربع.
۹. شاه‌آبادی، ابوالفضل (۱۳۸۶). اثر سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی، تجارت بین‌الملل و سرمایه‌انسانی بر بهره‌وری کل عوامل اقتصاد ایران، دوفصلنامه علمی - پژوهشی جستارهای اقتصادی، سال چهارم، شماره ۷: ۹۹-۱۳۴.
۱۰. شهری، رضا (۱۳۹۷/۱۰/۲۱). ردیابی از مزرعه تا سفره؛ مطالعه موردی اتوماسیون زنجیره تأمین شرکت پویا، مجله الکترونیکی علمی تخصصی ایکد، فصل اول: گزارشات ترویجی و تخصصی، قابل‌بازیابی در:

۱۱. شیروی، عبدالحسین (۱۳۹۷). حقوق تجارت بین‌الملل. تهران: انتشارات سمت.
۱۲. طاهری، قدرت (۱۳۹۳). تعریف و استانداردسازی شاخص‌های بهره‌وری ملی، پروژه انجام شده در گروه پژوهشی آمارهای اقتصادی، پژوهشکده آمار، مرکز آمار ایران.
۱۳. عباسی‌رئی، علی؛ و قلندری، همت‌مراد (۱۳۹۲). نقش طبقه‌بندی استاندارد کالاها و خدمات در توسعه تجارت الکترونیکی، فصلنامه مدیریت استاندارد و کیفیت، سال سوم، شماره ۱ (پیاپی ۷): ۱۹-۴.
۱۴. عباسی‌رئی، علی؛ قلندری، همت‌مراد؛ و نخعی‌کمال‌آبادی، عیسی (۱۳۹۴)، مدلی برای قابلیت ردیابی و شناسایی اقلام در زنجیره تأمین، نشریه مدیریت زنجیره تأمین، دوره ۱۷، شماره ۴۷: ۷۰-۸۳.
۱۵. کاتلر، فیلیپ؛ و آرمسترانگ، گری (۱۳۹۱). اصول بازاریابی، ترجمه بهمن فروزنده، چاپ شانزدهم. اصفهان: نشر آموخته.
۱۶. ماندل، رابرت (۱۳۷۹). چهره متغیر امنیت ملی، ترجمه پژوهشکده مطالعات راهبردی. تهران: انتشارات پژوهشکده مطالعات راهبردی.
۱۷. محمودی‌کردی، زهرا (۱۳۹۲). جایگاه محیط‌زیست در سازمان تجارت جهانی، فصلنامه پژوهش حقوق عمومی، دوره ۲۵، شماره ۴۱: ۱۶۹-۲۳۶.
۱۸. مظاهری، منصوره (۱۳۸۸). استانداردسازی کالا برای افزایش صادرات، روزنامه ایران.
۱۹. موسوی‌زنور، موسی (۱۳۹۳). رابطه امنیت ملی و تجارت بین‌الملل مطالعه موردی، امنیت اقتصادی جمهوری اسلامی ایران در پرتو تجارت بین‌الملل، فصلنامه مطالعات راهبردی سیاستگذاری عمومی، دوره ۵، شماره ۱۴: ۱۰۹-۱۴۲.

20. Alvarez, Jose, E (2002). The WTO as Linkage Machine, American J. Int' L, 96(1).
21. Braithwaite J; & Drahos P (2000). Global Business Regulation. Cambridge: Cambridge University Press.
22. Frydman B; & Waeyenberge, A Van (2014). Gouverner par les standards et les indicateurs Ed.
23. Havana Charter for an International Trade Organization (24 March 1948) 55 U.N.T.S., 187.
24. Havana Charter for an International Trade Organization (24 March 1948) art. 45 (1)(a) (x).
25. Maphill (2011). Satellite Location Map of Iran, <http://www.maphill.com/iran/location-maps/satellite-map>
26. WTO (1994). Online: WTO, http://www.wto.org/english/docs_e/legal_e27-trips-01-e.html, 15 April.
27. WTO TBT Technical Information on Technical barriers to trade, Technical Barriers to Trade: Technical Explanation, Available at: https://www.wto.org/english/tratop_e/tbt_e/tbt_info_e.htm.